

اشغال ایران توسط متفقین و آثار آن

در این درس به موضوع جانشینی محمدرضا پهلوی، آثار حضور متفقین در ایران، تشکیل حزب‌های سیاسی، و تصاحب امکانات و منابع ایران به وسیله اشغالگران در جنگ جهانی دوم، پرداخته می‌شود. مذاکره‌های نفت و تلاش برای تجزیه ایران، به رسمیت شناختن رژیم اشغالگر فلسطین از دیگر مباحث این درس است.

نخستین سال‌های حکومت محمدرضا پهلوی

پس از عزل رضاشاه توسط انگلیسی‌ها، محمدرضا شاه با حمایت انگلستان، آمریکا و شوروی و تلاش‌های برخی از درباریان، به سلطنت رسید (۲۶ شهریور ۱۳۲۰).
رضاشاه قبل از خروج از ایران توانست وکالت انتقال اموال فراوان و املاک زیادی را که در طول سلطنت خود از مردم غصب کرده بود، به پسرش، واگذار کند و خود همراه با جواهرات سلطنتی که در حقیقت ثروت ملی بود، به جزیره «موریس»، تبعید شد و در پی آن، کشور میدان جوش و خروش و بحث‌های سیاسی شد؛ و در فرصت و آزادی به وجود آمده، همگان، به بحث دربارهٔ حوادث بیست سال گذشته پرداختند. مردم و مطبوعات، در مورد هزاران قتل، شکنجه، زندان و تبعید آزادی خواهان، و غصب اموال و تجاوز به حقوق عمومی، سؤال‌های بسیاری داشتند. یکی از مسائل جدی این دوران، محاکمه‌های جنجالی عوامل جنایت‌های دوران استبداد رضاشاه بود. خشم عمومی، سبب شد که معدودی از آن افراد، نظیر سرپاس رکن‌الدین مختاری، رئیس شهربانی تهران، مصطفی راسخ، رئیس زندان قصر و پزشک احمدی، پزشک زندان قصر که در جنایت‌های رضاشاه مشارکت داشتند، بازداشت و محاکمه شوند.

تصاحب امکانات و منابع ایران توسط متفقین

متفقین با تصاحب کلیه وسایل حمل و نقل خصوصی و دولتی، بخش قابل توجهی از امکانات کشور را در اختیار گرفتند.

در حالی که مردم ایران دچار قحطی شده بودند، مایحتاج عمومی از جمله گندم و برنج تولیدی داخلی به شوروی ارسال و یا توسط نیروهای اشغالگر مصرف می‌شد و کارخانه‌ها در اختیار متفقین قرار گرفت.

از طرف دیگر، مجلس سیزدهم، در آبان ۱۳۲۱ اختیار تنظیم امور مالی و اقتصادی کشور را به «آرتور میلیسپو»، مستشار آمریکایی، سپرد. میلیسپو علاوه بر امور مالی، قدرت وضع مقررات و قوانین و تغییر قیمت ارز (در جهت منافع متفقین) را نیز یافته بود و بر امور مالی ارتش و شهربانی هم نظارت می‌کرد. مجموعه سیاست‌های اقتصادی این دوره، آثار مهم و مخربی بر اقتصاد ایران گذاشت. با وجود نقاط مثبتی در این اصلاحات، سقوط ارزش ریال، نابودی درآمدهای دولت، ورشکستگی اقتصادی کشور، قحطی و بیماری از جمله نتایج ناگوار آن دوره است.

تشکیل حزب‌های سیاسی و دخالت بیگانگان

انگلستان، سیدضیاءالدین طباطبایی، عامل سیاسی کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ را، که در فلسطین به کار واسطگی خرید زمین از مسلمانان برای یهودی‌ها و کمک به اشغال آن اشتغال داشت،^۱ به ایران بازگرداند و او، حزب «اراده ملی» را تشکیل داد. شوروی نیز به کمک جمعی از کمونیست‌های سابق، حزب «توده» را تشکیل داد. سپس، با نفوذ در ارتش، «سازمان نظامی» آن حزب را تأسیس کرد. همچنین، در آذربایجان و کردستان، فرقه «دمکرات» را سازمان داد. از طرف دیگر، قوام‌السلطنه، حزب «دمکرات» را ایجاد کرد، که گاهی متمایل به آمریکا و زمانی متمایل به شوروی بود.

برخی از احزاب و دسته‌جات سیاسی نیز برای پیشبرد اهداف و مقاصد شاه و دربار تأسیس شدند.^۲ جریان‌های مذهبی نیز چندین تشکل سیاسی و فرهنگی به وجود آوردند، جمعیت فدائیان اسلام به رهبری شهید نواب صفوی از آن جمله است.

۱. ن. ک: طیرانی، اسناد احزاب سیاسی ایران (۱۳۲۰-۱۳۳۰)، ج ۲، ص ۳۰ به بعد؛ فوران، مقاومت شکننده، ص ۴۰۰؛ فردوست،

همان، ج ۱، صص ۴۸ و ۴۹؛ گذشته چراغ راه آینده است، ص ۱۸۶.

۲. در این باره می‌توان از حزب «آریا» و «حزب سوسیالیسم ملی کارگران» که به اختصار «سومکا» نامیده می‌شد، نام برد.

فکر کنید و پاسخ دهید:

علت افزایش فعالیت احزاب سیاسی در سال‌های اولیه سلطنت محمدرضا شاه

چه بود؟

مذاکره‌های نفت و سیاست موازنه منفی

در سال ۱۳۲۳ ش چندین شرکت نفتی انگلیس و آمریکا خواستار امتیاز نفت مناطق جنوب شرقی ایران (بلوچستان) شدند. اعضای حزب توده در مجلس با اعطای امتیاز نفت به طور جدی مخالفت کردند. هم‌زمان دولت شوروی نیز درخواست امتیاز نفت شمال ایران را کرد، اما این بار حزب توده از اعطای امتیاز نفت شمال به شوروی حمایت کرد. دولت شوروی برای تحمیل امتیاز نفت شمال با استفاده از اهرم‌هایی چون حزب توده و عوامل داخلی‌اش و همچنین قوای مسلح شوروی که به رغم پایان یافتن جنگ همچنان در خاک ایران حضور داشتند، دولت و مجلس را تحت فشار گذاشت.^۱ در مقابل این درخواست‌ها و فشارها، نمایندگان دوره چهاردهم مجلس طرحی را تصویب کردند که طبق آن مذاکره با کشورهای خارجی برای واگذاری امتیاز نفت، بدون تأیید مجلس ممنوع شده بود.^۲ این طرح به همت دکتر مصدق به مجلس ارائه شد و با اکثریت آرا به تصویب رسید.^۳ این اقدام به منزله اتخاذ سیاست موازنه منفی بود، یعنی ممنوعیت واگذاری امتیاز نفت به قدرت‌های شرق و غرب که در برابر سیاست موازنه مثبت که اعطای امتیاز نفت به دو قدرت شرق و غرب بود، اتخاذ گردید.

شکست تجزیه‌طلبان و تخلیه ایران از نیروهای شوروی

با وجود تعهدات دول متفق در طول جنگ مبنی بر احترام به حق حاکمیت ایران و تخلیه سریع کشور پس از خاتمه جنگ (حداکثر ظرف شش ماه)، دولت‌های آمریکا و انگلستان اقدام به خروج نیروهای نظامی خود از ایران کردند^۴، اما هنوز نشانه‌ای از تخلیه ایران از سوی قوای شوروی مشاهده نمی‌شد. این دولت اهداف جاه‌طلبانه‌ای را دنبال می‌کرد، از جمله ایجاد حاشیه امنیتی و منطقه حائل از طریق تجزیه برخی از مناطق ایران (آذربایجان ایران و الحاق آن به آذربایجان شوروی) و دستیابی به

۱. هوشنگ مهدوی، همان، صص ۴۱۸-۴۳۹.

۲. کی استوان، سیاست موازنه منفی در مجلس چهاردهم، ج ۱، صص ۱۸۸ و ۱۸۹.

۳. لسانی، همان، ص ۴۳۶: مذاکرات مجلس شورای ملی، جلسه ۷۹، مورخ ۷ آذرماه ۱۳۲۳، روزنامه رسمی کشور.

۴. در این ایام، سیاست انگلستان و آمریکا در مقابل ایران، استفاده از نیروهای بومی و البته وابسته بود.

امتیاز نفت شمال و ...، زیرا از اوایل قرن بیستم امتیاز نفت جنوب در دست انگلیسی‌ها بود.^۱ بنابراین در آذربایجان که تحت اشغال شوروی‌ها بود، فرقه دمکرات، مقدمات جداسازی آن را از ایران فراهم کرد. این گروه از شوروی تجهیزات جنگی دریافت می‌کرد و با پشتیبانی نیروهای نظامی شوروی اقدام به تضعیف حاکمیت دولت مرکزی ایران و اشغال بخش‌هایی از آذربایجان کرد.

به مدت کوتاهی پس از بحران آذربایجان، حزب دمکرات کردستان نیز در بهمن ماه ۱۳۲۴ رسماً در مهاباد جمهوری خودمختار کردستان را اعلام کرد. فرقه دمکرات به دلیل وابستگی اش به شوروی و تفکرات مارکسیستی فاقد پشتوانه مردمی بود.

سرانجام غائله آذربایجان و کردستان که به بحران بزرگی تبدیل شد و ممکن بود باعث تجزیه این دو بخش از خاک ایران شود، با رشادت و مقاومت مردم وطن‌خواه و مسلمان آذربایجان و کردستان و با همان سرعتی که آغاز شده بود، به پایان رسید. البته فشارهای بین‌المللی^۲ و تلاش‌های قوام السلطنه که وعده امتیاز نفت شمال را به شوروی داده بود در این ماجرا تأثیر داشت.^۳

دولت‌های بی‌ثبات

پس از خروج متفقین از ایران، دولت‌های بی‌ثباتی یکی پس از دیگری روی کار آمدند. با سقوط دولت قوام السلطنه، در طول سه سال - از آذرماه ۱۳۲۶ تا اردیبهشت ۱۳۳۰ - شش دولت بر سر کار آمد.^۴ دخالت‌های آشکار و پنهان بیگانگان و عوامل آنها در امور داخلی ایران، ناهماهنگی میان مجلس و دولت و بحران‌های سیاسی و اقتصادی ناشی از آن، نقش اساسی در تزلزل کابینه‌ها در آن دوره داشت.

به رسمیت شناختن رژیم اشغالگر قدس

روی کار آمدن مجدد محمدساعده مراغه‌ای (در مهرماه ۱۳۲۷)، هم‌زمان با اعلام موجودیت دولت صهیونیستی در سرزمین غصب شده فلسطین بود. در این ارتباط، به دعوت آیت‌الله کاشانی و

۱. ن. ک: هوشنگ مهدوی، همان، صص ۲۱۸-۲۲۸.

۲. سیاست انگلستان و آمریکا برای جلوگیری از گسترش نفوذ روس‌ها در منطقه حساس خلیج فارس و ایران که منجر به اعمال فشار از طریق سازمان ملل گردید و همچنین توافق کنفرانس تهران (۱۳۲۲) از جمله عوامل بین‌المللی بود که در پایان دادن به غائله آذربایجان و شوروی مؤثر بود.

۳. اسکندری، *خاطرات سیاسی*، صص ۱۶۷-۱۶۹؛ طبری، *کزراره، خاطراتی از حزب توده*، صص ۶۲-۷۸؛ بهروز، *شورشیان*

آرمان‌خواه، ناکامی چپ در ایران، ص ۳۹.

۴. این کابینه‌ها عبارت بود از: ۱. ابراهیم حکیمی ۲. عبدالحسین هزیر ۳. محمد ساعده مراغه‌ای ۴. علی منصور

سیدمجتبی نواب صفوی، رهبر «فداییان اسلام»، اجتماع‌هایی گسترده در حمایت از مردم فلسطین برپا شد و بیش از پنج هزار نفر فدایی، برای اعزام به آن سرزمین، ثبت نام کردند.^۱

ولی در اوج کشمکش‌های منطقه‌ای و التهاب‌های داخلی ناشی از اشغال فلسطین، محمد ساعد مراغه‌ای، پس از دریافت چهارصد هزار دلار رشوه از اسرائیل، ضمن تعویض وزیر خارجه، با موافقت شاه، در دی‌ماه ۱۳۲۸، دولت اسرائیل را به رسمیت شناخت.^۲

بیشتر بدانید

پیدایش دولتی بر پایه صهیونیسم

فکر ایجاد یک کشور یهودی در فلسطین برای اولین بار توسط هرتزل^۳ با انتشار کتاب دولت یهود در سال ۱۸۹۶م به وجود آمد. تا قبل از جنگ جهانی اول فلسطین جزو قلمرو حکومت عثمانی بود. در جریان جنگ جهانی اول که این دولت به شدت ضعیف شده بود، انگلستان، فلسطین را به تصرف خود درآورد. در سال ۱۹۱۷م/۱۳۳۶ق ارتور جیمز بالفور^۴ وزیر خارجه وقت انگلستان طی اعلامیه‌ای پشتیبانی انگلستان را از تأسیس کانون ملی یهودیان اعلام کرد. این بیانیه به منزله سنگ بنای رژیم اشغالگر فلسطین بود. صدور اعلامیه بالفور در فلسطین با مخالفت عمومی مواجه شد اما چون در آن زمان فلسطین زیر سلطه نیروهای انگلستان بود، مردم فلسطین نمی‌توانستند دست به اقدامی عملی بزنند.

در سال ۱۹۲۰م جامعه ملل، قیومیت فلسطین را به انگلستان سپرد. بدین ترتیب راه برای مهاجرت گسترده یهودیان هموار شد که موجب نگرانی مسلمانان و ساکنان این سرزمین شد. به‌ویژه آنکه برخی از گروه‌های شبه نظامی یهودی، اقدام به آزار و اذیت و ترور مسلمانان به منظور بیرون راندن آنها از خانه و کاشانه‌شان می‌کردند.

در طول جنگ جهانی دوم، صهیونیست‌ها با تبلیغات گسترده اقدام به مهاجرت و کوچ دادن یهودیان به سرزمین فلسطین کردند و پس از جنگ در سال ۱۹۴۸م سازمان ملل متحد با اعمال نفوذ و حمایت قدرت‌های بزرگ غربی و روسیه رأی به تقسیم سرزمین فلسطین و تشکیل دولت صهیونیستی اسرائیل داد.

تغییر قانون اساسی برای افزایش اختیارات شاه

طرح الغای قرارداد نفت جنوب در مجلس، منافع دولت انگلستان را یک‌باره برهم زد. سوء قصد

۱. مدنی، ایران اسلامی در برابر صهیونیسم، ص ۲۴.

۲. ولایتی، ایران و تحولات فلسطین، صص ۵-۸.

3. Herzel

4. Arthur. James Balfor

به شاه در حادثه ۱۵ بهمن ۱۳۲۷ با همه پنهان کاری‌هایی که در پشت پرده انجام شد، برای این هدف طراحی شده بود که مبارزه ضد استعماری ملت ایران متوقف گردد. پس از این واقعه، حزب توده، به عنوان عامل نفوذ سیاست خارجی شوروی منحل و آیت‌الله کاشانی ابتدا به زندان فلک‌الافلاک خرم‌آباد و سپس به لبنان تبعید شد. آیت‌الله کاشانی طی اعلامیه شدیداللعنی درخواست لغو امتیاز نفت داده شده به انگلیس در زمان رضاشاه را مطرح کرده بود. محمدرضا شاه توانست در پنجم اسفند ۱۳۲۷ و در شرایط روانی به وجود آمده ناشی از ترورش - از جمله، برقراری «حکومت نظامی» - کار تغییر قانون اساسی را به انجام رساند. شاه که در قانون اساسی مشروطه غیرمسئول و فاقد اختیارات بود، در قانون اساسی جدید قدرت انحلال دو مجلس^۱، فرماندهی کل قوا، اعلان جنگ و صلح و نصب وزراء را به دست آورد.

جریان‌های دینی و فرهنگی

مطبوعات دینی و جنبش اسلامی دانشجویان (انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران) دو جریان روشنفکر بودند که در دهه ۱۳۲۰ ش. پا به عرصه وجود گذاشتند و نقش مؤثری در بیداری اسلامی ایفا کردند. یکی از اهداف مهم این جریان‌ها مقابله با اندیشه و جریان‌های غیراسلامی به‌ویژه کمونیسم بود. دغدغه اصلی روشنفکری دینی در آن سال‌ها، ارائه چهره‌ای تازه و پویا از اسلام بود که با مقتضیات زمان و علوم جدید سازگار باشد و مشکلات و نیازهای فکری نسل جوان و تحصیلکرده را پاسخ دهد.

۱. مدنی، همان، ج ۱، ص ۱۷۸.

پرسش‌های نمونه

۱. در اوایل سلطنت محمدرضا شاه چه احزابی در ایران تشکیل شد؟
۲. دولت شوروی برای به دست آوردن امتیاز نفت، از چه راه‌هایی ایران را تحت فشار گذاشت؟
۳. چرا دولت شوروی از تخلیه خاک ایران از نیروهای خود، خودداری می‌کرد؟
۴. محمدرضا شاه با تغییر قانون اساسی در پنجم اسفند ۱۳۲۷، چه اختیاراتی به دست آورد؟

اندیشه و جست و جو

۱. در زمینه حمایت دولت شوروی از فرقه‌های تجزیه طلب دموکرات در کردستان و آذربایجان مطلبی تهیه کنید.
۲. در مورد اولین مقاومت‌های مجلس شورای ملی در مقابل واگذاری امتیازات نفتی به کشورهای خارجی مطلبی تهیه کنید.

نهضت ملی شدن صنعت نفت

در درس گذشته با مذاکرات نفت شمال و فرجام آن آشنا شدید. در این درس با چگونگی وحدت میان آیت‌الله کاشانی و دکتر مصدق و تلاش‌های مردم ایران برای ملی شدن صنعت نفت و پیامدهای آن آشنا می‌شوید.

زمینه‌های شکل‌گیری نهضت ملی شدن نفت ایران

دولت انگلستان که از محصول نفت ایران و سایر کشورهای خاورمیانه درآمد بسزایی کسب می‌کرد،^۱ نماینده خود «نویل گس» را در چند مرحله برای انجام مذاکرات نفت به ایران فرستاد. او سرانجام در سال ۱۳۲۸ پس از مذاکرات مفصل با گلشائیان وزیر دارایی، قرارداد الحاقی به قرارداد ۱۹۳۳ ایران و انگلستان را که به قرارداد «گس - گلشائیان» معروف شد،^۲ امضا کرد. محمدساعده^۳ که قول داده بود قرارداد الحاقی را به تصویب برساند، در پایان دوره پانزدهم مجلس شورای ملی آن را به مجلس برد ولی بر خلاف تصور او، نمایندگان مجلس به لایحه مذکور رأی ندادند. این موضوع و همچنین آگاهی مردم از ماهیت استعماری قراردادهای قبلی زمینه را برای مخالفت‌های بعدی و تلاش برای ملی کردن صنعت نفت ایران فراهم کرد. دولت ساعد به دلیل عدم تصویب قرارداد الحاقی استعفا کرد. دو ماه بعد از تشکیل دوره شانزدهم مجلس، علی منصور^۴ به نخست‌وزیری منصوب شد. او مجدداً لایحه قرارداد الحاقی را به مجلس ارائه کرد.

۱. تانزر، بحران/ترژی، ص ۵۴.

۲. این قرارداد استعماری در سال ۱۳۱۲ ش/۱۹۳۳م بعد از لغو قرارداد «داری» در زمان رضاشاه منعقد شد.

۳. برای آگاهی از متن قرارداد، ن. ک: گلشائیان، گذشته‌ها و اندیشه‌های زندگی یا خاطرات من، ج ۲، صص ۸۳۲ - ۸۳۶.

۴. نخست‌وزیری محمد ساعد مراغه‌ای (دوره دوم) از مهرماه ۱۳۲۷ آغاز و در فروردین ماه ۱۳۲۹ پایان یافت.

۵. نخست‌وزیری علی منصور از فروردین ۱۳۲۹ آغاز و در تیرماه همان سال به پایان رسید.

جبههٔ ملی به رهبری دکتر محمد مصدق که در سال ۱۳۲۸ ش تأسیس شد، در مجلس در اقلیت قرار داشت اما از محبوبیت برخوردار بود. این جبهه یک فراکسیون هشت نفره تشکیل داده بود که هدف آن مخالفت با قرارداد الحاقی «گِس - گلشائیان» بود.^۱

در همین زمان آیت الله کاشانی بعد از حدود یک سال تبعید در میان استقبال با شکوه مردم به ایران بازگشت و روح تازه‌ای به مبارزات ضد استعماری دمید.^۲ آیت الله کاشانی که از نفوذ و محبوبیت زیادی در میان مردم برخوردار بود، به حمایت از دکتر مصدق پرداخت. در نتیجه موجب پیوستن مردم و نیروهای مذهبی به مبارزات ضد استعماری شد.

برگی از تاریخ



آیت الله کاشانی (۱۲۶۱-۱۳۴۰ ش)

آیت الله کاشانی در ۱۲۶۱ ش در تهران به دنیا آمد. در شانزده سالگی راهی نجف شد. در آنجا به تحصیل علوم دینی پرداخت. پس از جنگ جهانی اول و اشغال عراق توسط انگلیس همگام با علمای مبارز به جهاد با انگلیس پرداخت. انگلیسی‌ها او را دستگیر و به ایران تبعید کردند. در زمان حضور او در ایران، نهضت ملی شدن نفت شروع شد. او با رهبری نیروهای مذهبی به حمایت از نهضت ملی و دکتر مصدق پرداخت و نقش بسیار مؤثری در پیشرفت این نهضت داشت.

سرانجام بار دیگر مجلس با پشتیبانی مردم از تصویب لایحهٔ قرارداد الحاقی خودداری کرد. در نتیجه دولت منصور به طور غیر منتظره‌ای استعفا کرد و رزم‌آرا رئیس ستاد ارتش با تشکیل کابینه‌ای جدید به نخست‌وزیری رسید.^۳

۱. ن. ک: نجفی، جنبش ملی شدن نفت ایران، صص ۸۴-۸۶؛ عراقی، ناگفته‌ها، ص ۴؛ آبراهامیان، همان، صص ۳۱۱، ۳۱۲.

و ۳۲۰-۳۲۴.

۲. سمیعی، سی و هفت سال، ص ۱۶.

۳. نخست‌وزیری حاج علی رزم‌آرا از تیرماه ۱۳۲۹ آغاز و در اسفندماه همان سال با قتل وی به پایان رسید.

دولت رزم آرا مانعی بر سر راه ملی شدن نفت ایران

با روی کار آمدن دولت رزم آرا که مورد حمایت انگلستان و آمریکا بود، اتحاد نیروهای مذهبی و ملی افزایش یافت.^۱ آیت الله کاشانی و جبهه ملی اعلامیه‌ای علیه نخست‌وزیری رزم آرا صادر کردند و تشکیل دولت او را شبه کودتا نامیدند.^۲ رزم آرا می‌دانست که اگر لایحه الحاقی در دستور کار مجلس قرار بگیرد و بار دیگر رد شود، این موضوع باعث حساسیت افکار عمومی و آگاهی فزاینده مردم نسبت به سیاست‌های استعماری دولت انگلستان در قبال مسائل نفتی ایران می‌شود.^۳

نمایندگان اقلیت مجلس طرح «ملی شدن صنعت نفت» را به مجلس ارائه کردند اما به دلیل کمبود امضا، این طرح در مجلس طرح نشد.^۴ رزم آرا برای جلوگیری از ملی شدن صنعت نفت ایران به طور محرمانه وارد مذاکره با انگلستان شد و پیشنهاد جدیدی به جای قرارداد الحاقی که متضمن منافع انگلستان بود،^۵ ارائه کرد. علاوه بر این او با تحقیر روحیه ملی اعلام کرد که ایرانیان حتی قادر به اداره یک کارخانه سیمان نیستند و ملی کردن صنعت نفت ایران را بزرگ‌ترین خیانت برشمرد.^۶ در پی گسترش اعتراض‌های مردمی علیه رزم آرا در تهران گردهمایی‌های متعددی برگزار شد. مردم در این تظاهرات خواستار ملی شدن صنعت نفت بودند اما قدرت سیاسی و نظامی رزم آرا و تعداد کم نمایندگان مدافع نهضت ملی شدن نفت در مجلس، سبب بی‌نتیجه ماندن این فعالیت‌ها شد.^۷ سرانجام خلیل طهماسبی از اعضای برجسته فداییان اسلام رزم آرا را به قتل رساند.^۸ انگلستان که مهره قدرتمندی را در ایران از دست داده بود، کشته شدن رزم آرا را یک فاجعه توصیف کرد. بهای سهام شرکت نفت انگلستان به سرعت تنزل کرد. فردای آن روز یعنی در ۱۷ اسفندماه ۱۳۲۹ کمیسیون نفت مجلس پیشنهاد ملی کردن نفت را تصویب کرد.^۹

۱. عمید زنجانی، *انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن*، ص ۴۲۰.

۲. *گذشته چراغ راه آینده است*، ص ۵۳۵.

۳. ن. ک: اقبال، *نقش انگلیس در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲*، ص ۴۸.

۴. تعداد ۱۱ نفر از نمایندگان این طرح را امضا کردند در حالی که حد نصاب برای ارائه یک طرح به مجلس ۱۵ نفر بود.

۵. مشابه موافقتنامه شرکت نفت آمریکایی آرامکو با عربستان سعودی. ن. ک: *گذشته چراغ راه آینده است*، ص ۵۴۴.

۶. همان، ص ۵۴۲.

۷. لسانی، همان، ج ۲، ص ۲۲۸.

۸. در ملاقات میان اعضای فداییان اسلام، آیت الله کاشانی و رهبران جبهه ملی، همگی به توافق رسیده بودند که با از میان برداشتن رزم آرا صنعت نفت ملی خواهد شد. در این باره ن. ک: عراقی، همان، ص ۸۰؛ خسروشاهی، *فداییان اسلام تاریخ، عملکرد، اندیشه*، صص ۱۱۳ و ۱۱۴؛ واحدی، *خاطرات*، مجله *خواندنی‌ها*، ش ۱۱، سال ۱۶، مورخ ۱۳۳۴/۸/۱۹.

۹. زنجانی، همان، صص ۱۲۶ و ۱۲۷.

تصویب ملی شدن صنعت نفت

طرح ملی شدن صنعت نفت ایران در ۲۴ اسفند ماه ۱۳۲۹ در مجلس به تصویب رسید و شادی و جشن سراسر کشور را فرا گرفت و ۵ روز بعد در ۲۹ اسفند ماه مجلس سنا همان مصوبه را تأیید و شاه نیز آن را امضا کرد.^۱ دولت انگلستان برای جلوگیری از به خطر افتادن منافعش در ایران شاه را تحت فشار قرار داد. آن دولت قصد داشت با انتصاب حسین علاء به نخست‌وزیری مانع از اجرای قانون ملی شدن نفت گردد.^۲

حسین علاء فردی بود که در ماجرای قرارداد ۱۹۳۳م/۱۳۱۲ش در زمان رضاشاه شرکت داشت و در کنار تقی‌زاده از عاقدین آن قرارداد ننگین بود. علاء^۲ برای آرام کردن بحران و مناقشات نفتی در خوزستان و متعاقباً در سایر مناطق نفت‌خیز جنوب حکومت نظامی برقرار کرد. حسین علاء برای الغای قانون ملی شدن نفت تلاش زیادی کرد اما در برابر اراده مردم ناکام ماند و سرانجام به علت ناتوانی در حل بحران نفت استعفا داد.

نخست‌وزیری مصدق

دکتر محمد مصدق، در اردیبهشت ماه ۱۳۳۰ مأمور تشکیل کابینه شد و مجلس‌های شورای ملی و سنا، طرح اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت را به تصویب رساندند. مصدق با شرط تصویب این طرح، نخست‌وزیری را پذیرفت. طبق این طرح، دولت می‌بایست به خلع‌ید شرکت نفت ایران و انگلیس از نفت کشور می‌پرداخت؛ اساسنامه شرکت ملی نفت را تنظیم می‌کرد و نفت ایران را به مشتریان به نرخ عادلانه به فروش می‌رساند.

۱. گذشته چرخ راه آینده است، ص ۵۴۵.

۲. سفير انگلستان در تهران در اولين واکنش به تصویب ملی شدن صنعت نفت اعلام کرد: «ایران نمی‌تواند این ظلم را در حق ما مرتکب

شود». ن. ک: ماسلی، نفت، سیاست و کودتا در خاورمیانه/ امتیاز داریسی تا کودتای ۲۸ مرداد، ج ۱، ص ۳۱۳.

۳. نخست‌وزیری حسین علاء از اسفندماه ۱۳۲۹ آغاز و در اردیبهشت ماه ۱۳۳۰ به مدت ۲ ماه ادامه یافت.

دکتر مصدق (۱۲۶۱-۱۳۴۵ ش)



دکتر محمد مصدق در ۱۲۶۱ در تهران به دنیا آمد. وی در مدرسه علوم سیاسی به تحصیل پرداخت و بعدها برای تکمیل تحصیلات خود راهی سوئیس شد.

بعد از بازگشت به ایران عهده دار مناصب مهمی نظیر وزارت دادگستری و استانداری فارس شد. در دوره پنجم و چهاردهم از طرف مردم تهران به نمایندگی مجلس انتخاب گردید. وی از سال ۱۳۲۹ ش رهبری نهضت مردمی برای ملی کردن نفت را در کنار آیت الله کاشانی به

عهده گرفت. دکتر مصدق در جریان این نهضت به نخست وزیری انتخاب شد اما در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در اثر کودتایی که از سوی آمریکا و انگلیس و طرفداران شاه بر پا شد، از نخست وزیری عزل و در احمدآباد تحت نظر قرار گرفت تا اینکه در سال ۱۳۴۵ درگذشت. وی یکی از پیشگامان نهضت ضد استعماری عصر ما بود که نه تنها در ایران بلکه در بین کشورهای جهان سوم هم از او به عنوان کسی که شجاعانه و با سرسختی تحسین برانگیزی مقابل استعمار انگلیس ایستاد، نام می‌برند.

در این دوره دولت با تقویت وحدت ملی، تلاش برای ملی شدن صنعت نفت را پی گرفت و هیئت خلع ید از شرکت نفت، اقدام‌های خود در مورد انتقال شرکت را آغاز کرد. دولت انگلستان ضمن شکایت به دیوان دادگستری بین‌المللی لاهه^۱، تهدید کرد که «چهار هزار چتر باز و رزمناوهای خود را به مرز آبی ایران خواهد فرستاد». اما در نقطه مقابل، آیت الله کاشانی اظهار داشت که «اعلام جهاد خواهد نمود».

با اقدام‌های دولت ایران در خلع ید از شرکت نفت ایران و انگلیس، کارشناسان خارجی شرکت به طور دسته جمعی استعفا کردند و تلاش دکتر مصدق برای راضی کردن آنان به ادامه کار، به جایی نرسید. به دنبال آن، دولت کوشید از کشورهای دیگر نظیر آمریکا و هلند^۲ کارشناس استخدام کند اما به دلیل اعمال نفوذ انگلیس، موفق به این کار نشد. به همین سبب، تولید نفت، تا حد رفع نیاز داخلی، کاهش

۱. روحانی، تاریخ ملی شدن صنعت نفت در ایران، ص ۱۲۹.

۲. با وجود تلاش‌های دکتر مصدق برای قطع دست روسیه و انگلیس، اما به شکل جدی توجهی به توان داخلی و برنامه‌ریزی برای پرورش نیروهای متخصص ایرانی نمی‌شد. در عوض، از مستشاران آمریکایی و دیگر کشورها استفاده شد و اتکای به آمریکا، نهضت را در مراحل بعدی دچار مشکل کرد.

یافت. جز این، کشتی‌های نفتکش نیز، از بارگیری نفت ایران خودداری کردند. به این ترتیب در مرداد ۱۳۳۰، آخرین واحد پالایشگاه آبادان تعطیل شد.

با شکایت دولت انگلستان از ایران به شورای امنیت سازمان ملل متحد، دکتر مصدق، برای پاسخ‌گویی در مورد ملی کردن صنعت نفت و اخراج انگلیسی‌ها به نیویورک رفت. او اسنادی از دخالت دولت انگلستان در امور داخلی ایران را به سازمان ملل متحد عرضه کرد. در همین زمان دولت آمریکا طرح جدیدی دربارهٔ کشمکش ایران و انگلیس ارائه داد. شورای امنیت نیز، به مسکوت ماندن شکایت انگلیس رأی داد. در نتیجه رأی شورا به نفع ایران تمام شد.^۱

به علت قطع صادرات نفت و تحریم‌های اقتصادی و فشارهای دولت انگلستان، درآمد دولت به سرعت کاهش یافت و کشور دچار مشکلات شدید اقتصادی شد. در نتیجه دولت ناچار به فروش اوراق قرضه شد.^۲

پرسش‌های نمونه

۱. رزم‌آرا در مقابل ملی شدن صنعت نفت چه رفتاری در پیش گرفت؟
۲. مصدق در دورهٔ اول نخست‌وزیری خود چه اقداماتی انجام داد و عکس‌العمل دولت انگلستان در مقابل اقدامات او چه بود؟
۳. انگلستان از نخست‌وزیر شدن حسین علاء چه هدفی را دنبال می‌کرد و او در این راستا چه کارهایی کرد؟

اندیشه و جست و جو

۱. گزارشی از مذاکرات نمایندگان مخالف و موافق ملی شدن صنعت نفت در مجلس شورای ملی تهیه کنید.
۲. در مورد زندگی و اقدامات شهید نواب صفوی مطلبی تهیه کنید.

۱. ن. ک: گازبوردسکی، سیاست خارجی آمریکا و شاه، ص ۱۶۸؛ فاتح، پنجاه سال نفت ایران، صص ۵۶۸-۵۷۱.

۲. مکی، وقایع سی تیر ۱۳۳۱، صص ۵۷ و ۷۹.

زمینه‌های کودتای ۲۸ مرداد

در این درس، با علّت‌های استعفای دکتر مصدّق، قیام سی تیر و پیامدهای آن، نقش آیت‌الله کاشانی در سقوط دولت قوام السلطنه و روی کار آمدن مجدد دولت مصدّق، زمینه‌های کودتا علیه دولت مصدّق آشنا می‌شوید.

قیام ۳۰ تیر

در تیرماه ۱۳۳۱ دکتر مصدّق برای مواجهه با مخالفان داخلی که در رأس آن دربار قرار داشت، از شاه خواست تا پست وزارت جنگ را در اختیار وی قرار دهد و چون شاه نپذیرفت، مصدّق استعفا کرد.^۱

بلافاصله پس از استعفای دکتر مصدّق، شاه، قوام السلطنه را مأمور تشکیل کابینه کرد. قوام السلطنه، طی اعلامیه شدیداللحنی به طرفداران نهضت ملی شدن نفت حمله کرد و تهدید به اجرای «اعدام‌های دسته جمعی» کرد. در پی آن آیت‌الله کاشانی از مردم خواست تا برای مقابله با قوام به میدان بیایند و اعلام کرد: «به خدای لایزال، اگر قوام نرود، اعلام جهاد می‌کنم و خودم کفن پوشیده، با ملت، در پیکار شرکت می‌کنم». تلاش‌های دربار و نمایندگان قوام السلطنه در متقاعد کردن آیت‌الله کاشانی به نتیجه نرسید. آیت‌الله کاشانی اعلام کرد: «اگر در بازگشت دولت دکتر مصدّق اقدام نشود آتش انقلاب را متوجه دربار خواهیم کرد».^۲ در اولین ساعات روز ۳۰ تیرماه ۱۳۳۱ مردم تهران درحالی که در محاصره نیروهای نظامی و انتظامی و تانک‌ها و زره‌پوش‌ها قرار داشتند بی‌محابا به حرکت درآمدند و حماسه‌ای ملی و غرورآفرین خلق کردند. رشادت مردم تهران و سایر شهرهای کشور که منجر به شهادت تعدادی از آنها شد، موجب گردید تا شاه با برکناری قوام

۱. کاتوزیان، مصدّق و نبرد قدرت، ص ۲۲۳؛ مدنی، همان، ج ۱، ص ۲۲۷؛ نجاتی، همان، صص ۲۲۲ - ۲۲۷. بعدها دکتر مصدّق

گفت: «اکنون اعتراف می‌کنم که راجع به استعفا خطای بزرگی مرتکب شدم». ن. ک. مصدّق، خاطرات و تألمات، ص ۲۵۹.

۲. کاتوزیان، همان، ص ۲۳۴.

بار دیگر دکتر مصدق را به نخست‌وزیری منصوب کند.

دور دوم نخست‌وزیری دکتر مصدق

با روی کار آمدن مجدد دکتر مصدق، آیت‌الله کاشانی به ریاست مجلس انتخاب شد و دکتر مصدق علاوه بر ریاست دولت، وزارت جنگ را نیز شخصاً بر عهده گرفت و از موقعیت مستحکمی برخوردار شد.

با وجود این در آن دوران حوادث عبرت‌انگیزی روی داد که زمینه‌های بروز اختلاف میان آیت‌الله کاشانی و دکتر مصدق را فراهم کرد.^۱ این اختلافات با دسیسه‌چینی کانون‌های توطئه خارجی و عوامل داخلی‌اش تشدید شد. انگلستان که از ملی‌شدن نفت ایران ضربه خورده بود، به توطئه‌هایی علیه دولت مصدق دست زد. تا زمانی که اتحاد و همبستگی در میان رهبران نهضت وجود داشت، نهضت از حمایت گسترده و پشتیبانی مردم و افکار عمومی برخوردار بود، توطئه‌های سهمگین خارجی و دسیسه‌های شاه و دربار که در رأس آن مخالفان داخلی قرار داشتند، مؤثر واقع نشد. با بروز اختلاف و شکاف در میان رهبران نهضت، کوچک‌ترین توطئه مبدل به ضربه سهمگین بر پیکر ملی‌شدن صنعت نفت می‌شد و پایه‌های حمایت و پشتیبانی مردم که عامل مهمی در رویارویی با استعمار خارجی به شمار می‌رفت، سست می‌کرد.

در چنین شرایطی رهبران نهضت که برای قطع دست استعمار از منافع ملی ایران تلاش می‌کردند و می‌خواستند که ایرانی‌خانه خویش را خود بسازد، در رویارویی با توطئه‌های خارجی و دسیسه‌چینی مخالفان داخلی توانستند اهداف نهضت را به ثمر برسانند.

ضعف ساختاری و بی‌کفایتی برخی از اعضای کابینه دولت، رقابت‌ها و قدرت‌طلبی‌ها، روند جدایی و بروز شکاف و تشنّت سیاسی مانع از آن شد که بار دیگر مردم همچون واقعه ۳۰ تیر در صحنه مبارزه حاضر شوند.

۱. از جمله اختلافات؛ موضوع سیاست مامشات، مسامحه و عدم تعقیب و مجازات مسببان کشتار مردم در سی‌ام تیرماه از سوی دولت و روی کار آمدن برخی از افراد که از حسن سابقه برخوردار نبودند و بعدها مسئله تمدید اختیارات به‌ویژه درخواست اختیارات فوق‌العاده از سوی دکتر مصدق و اقدام وی مبنی بر انحلال مجلس هفدهم از طریق فرماندوم و مراجعه مستقیم به آرای عمومی بود.
در این باره ن. ک: پیل، مصدق، نفت و ناسیونالیسم ایرانی، ص ۱۵۶؛ مدنی، همان، ج ۱، صص ۲۵۰-۲۵۳؛ گذشته چراغ راه آینده است، ص ۶۱۸؛ اخوی، نقش روحانیت در صحنه سیاسی ایران صص ۱۶۲ و ۱۶۳ و ۱۸۰-۱۸۲؛ کاتم، همان، صص ۱۸۶ و ۱۸۷.

عوامل زمینه‌ساز کودتای ۲۸ مرداد

الف - عوامل خارجی:

۱. آمریکا: دولت آمریکا^۱ به دلیل رقابت نفتی با انگلستان در خاورمیانه، ابتدا به طور نسبی و مشروط به حمایت از نهضت ملی شدن نفت ایران پرداخت؛ زیرا این کشور در صدد بود در منابع نفت ایران سهم گردد^۲، و قانون ملی شدن نفت را گامی در راستای پایان بخشیدن به تسلط انحصاری انگلستان بر نفت ایران تلقی می‌کرد. از سوی دیگر چون در آن دوران، آمریکا در جنگ سرد با شوروی^۳ به سر می‌برد، قصد داشت با پشتیبانی از نهضت ملی شدن نفت و برقراری روابط دوستانه با دولت مصدق، ایران را زیر نفوذ و سلطه خود درآورد^۴. پس از مدتی آمریکا تصمیم گرفت میان ایران و انگلستان در موضوع نفت میانجیگری کند، چرا که حفظ ثبات بازار نفت را برای جلوگیری از بحران اقتصادی ضروری می‌دانست^۵. با گذشت زمان، سیاست دولت آمریکا نسبت به نهضت ملی شدن نفت و دولت دکتر مصدق از حمایت و میانجیگری به مداخله‌گری و همکاری با انگلستان برای براندازی تغییر یافت؛ زیرا از یک سو انگلیسی‌ها قول دادند، شرکت‌های نفتی آمریکایی را در منابع نفت ایران شریک سازند و از سوی دیگر خطر نفوذ کمونیزم و حزب توده را در ایران بزرگ جلوه دادند. در نتیجه چرخش سیاست آمریکا در قبال نهضت ملی شدن نفت و دولت دکتر مصدق، سازمان جاسوسی آمریکا (سیا) مأموریت یافت با همکاری سازمان جاسوسی انگلستان، برای براندازی دولت مصدق و سرکوب نهضت ملی شدن نفت برنامه‌ریزی و اقدام نماید^۶.

۱. در آن زمان ترومن، از حزب دموکرات رئیس‌جمهور آمریکا بود.

۲. آمریکا در ابتدای روی کار آمدن دولت ملی مصدق آن را سدی در برابر سقوط ایران در دامن کمونیسم می‌دانست. ن. ک: بیل، مصدق، همان، صص ۴۲۸-۴۳۱.

۳. جنگ سرد: پس از پایان جنگ جهانی دوم دو بلوک شرق (کمونیسم) و غرب (سرمایه‌داری) در یک دسته‌بندی جدید به رقابت‌های نظامی و سیاسی با یکدیگر پرداختند. ایجاد جنگ‌های منطقه‌ای، رقابت‌های تسلیحاتی، تبلیغات رادیویی و سعی در ایجاد وحشت در طرف مقابل، از ویژگی‌های این دوره است. سال ۱۹۸۹ م یعنی سال انهدام دیوار برلین را پایان عصر جنگ سرد می‌دانند.

۴. گازیوروسکی، کودتای ۲۸ مرداد، صص ۳۷-۳۹؛ حضور چهره‌های طرفدار آمریکا در کابینه اول مصدق همچون سرلشکر زاهدی، وزیر کشور و رهبر آینده کودتا، علی‌امینی و مظفر بقایی نشان می‌دهد که آنها تا زمانی از مصدق حمایت می‌کردند که او با آمریکایی‌ها روابط خوبی داشت و با تغییر سیاست آمریکا آنها به عنوان مخالف در برابر دکتر مصدق قرار گرفتند (ن. ک: بهروز، همان، ص ۴۳).

۵. گازیوروسکی، سیاست خارجی آمریکا و شاه، ص ۱۶۵.

۶. گازیوروسکی، کودتای ۲۸ مرداد، ص ۲۵.

بیشتر بدانید

پس از آنکه آمریکا تصمیم گرفت برای سرنگونی دولت دکتر مصدق با انگلستان متحد شود، سازمان سیا مأموریت یافت نقشه کودتا را طراحی کند و ژنرال آمریکایی ژرمن شوارتسکف^۱ جهت تشویق شاه برای مشارکت فعال در کودتا به ایران آمد.^۲ او از شاه خواست تا زاهدی را جانشین مصدق کند،^۳ اما شاه هم چنان دچار تردید و سردرگمی بود، زیرا از عواقب شکست کودتا وحشت داشت. هندرسون سفیر آمریکا در تهران و کریمت روزولت^۴، فرمانده آمریکایی کودتا، فشار بر شاه را بیشتر کردند.

هندرسون به شاه هشدار داد که اگر مصدق در سمت خود باقی بماند و سیاست‌های نفتی خود را ادامه دهد، ایران همچنان رو به ویرانی خواهد رفت.^۵ او تهدید کرد که در صورت عدم همکاری شاه با اجرای کودتا، حکومت خاندان پهلوی به پایان خواهد رسید.^۶

۲. انگلستان: حل بحران نفت از طریق اعمال قدرت نظامی و توسل به کودتا برای نخستین بار از سوی دولت انگلستان تحت عنوان «عملیات چکمه»^۷ طراحی شد. دولت انگلستان با استفاده از شبکه جاسوسی خود که از دیرباز در ایران فعالیت داشت^۸، به شکل‌های گوناگون اقدام به تضعیف دولت دکتر مصدق کرد.^۹ از جمله این اقدامات تحریم خرید نفت ایران و تهدید کشورهای خریدار نفت ایران به تعقیب قضایی و مجازات بود.^{۱۰}

۱. H-Norman Schwarzkoph وی که قبلاً ریاست هیئت مستشاری نظامی آمریکا در ایران را بر عهده داشت، رابطه دوستانه‌ای

با شاه داشت.

۲. بیل، شیر و عقاب، ص ۱۰۵؛ اسناد سازمان سیا، صص ۱۰۲، ۱۰۵-۱۰۶؛ پیش از این اسدالله رشیدیان، جاسوس ارشد سرویس اطلاعاتی انگلستان، به عنوان سخنگوی رسمی دولت انگلستان با شاه ملاقات کرد و درباره همکاری‌های آمریکا و انگلستان در عملیات سرنگون‌سازی دولت مصدق به شاه اطمینان خاطر داد.

۳. عملیات آژاکس، بررسی اسناد CIA درباره کودتای ۲۸ مرداد، صص ۶۲ و ۱۵۸.

۴. Kermit Roosevelt نوه تئودور روزولت رئیس‌جمهور آمریکا.

۵. گازیوروسکی، مصدق و کودتا، صص ۱۰۱-۱۰۵.

۶. عملیات آژاکس، بررسی اسناد CIA درباره کودتای ۲۸ مرداد، ص ۱۲.

۷. وقتی آمریکا با انگلستان در براندازی دولت مصدق همراه شد طرح «عملیات چکمه» انگلستان به طرح «عملیات آژاکس» مبدل شد و رهبری آن به دست کریمت روزولت آمریکایی سپرده شد.

۸. ن. ک: علم، نفت، قدرت و اصول ملی شدن نفت در ایران و پیامدهای آن، ص ۱۵۲ به بعد. گازیوروسکی و برن، مصدق و کودتا،

صص ۱۷۹-۱۹۶.

۹. ن. ک: عملیات آژاکس، بررسی اسناد CIA درباره کودتای ۲۸ مرداد، ص ۱۹۸.

۱۰. ن. ک: نجانی، همان، ص ۲۱۲.

بیشتر بدانید

قطع روابط سیاسی ایران و انگلستان و تعطیلی سفارت انگلستان در تهران ضرورت همکاری آمریکا را در براندازی دولت مصدق دو چندان می‌کرد. با وجود این با روی کار آمدن دولت آیزنهاور در ژانویه ۱۹۵۳/دی ماه ۱۳۳۱، سیاست خارجی آمریکا نسبت به ایران با دولت انگلستان همسوتر و شدیدتر شد. علاوه بر این، هر دو کشور نمی‌توانستند، جنبش‌های ملی درخاورمیانه را که دارای جنبه‌های ضد استعماری بود، نادیده بگیرند. با این همه عامل عمده‌ای که باعث شد آمریکا رهبری کودتا را بر عهده گیرد، سهمی شدن این کشور در منافع نفتی ایران بود. هدفی که آمریکا پس از کودتا با انعقاد قرارداد کنسرسیوم به آن دست یافت.^۱

بنابراین آمریکا و انگلیس با هدف تصاحب منابع عظیم نفتی ایران سیاست واحدی را علیه نهضت ملی در پیش گرفتند.

شوروی نیز با وجود شدت یافتن جنگ سرد با آمریکا در این دوران، برای کمک به ایران کاری انجام نداد و در شرایط سخت بحران اقتصادی ناشی از تحریم نفت ایران، حتی از پرداخت بدهی‌های خود به ایران سرباز زد.^۲

ب – عوامل داخلی:

۱. حزب توده: این حزب از آغاز نهضت ملی شدن نفت، جنبش را به عنوان یک حرکت وابسته به سرمایه‌داری غرب متهم می‌کرد و تنها خواستار ملی شدن نفت جنوب بود^۳؛ زیرا نفت شمال را حق شوروی می‌دانست.

حزب توده به دلیل وابستگی به شوروی از منافع آن دولت حمایت می‌کرد و همواره رفتار خصمانه‌ای با نهضت ملی شدن نفت داشت، اما پس از واقعه ۳۰ تیر ۱۳۳۱ برخی از رهبران حزب تصمیم به حمایت از دکتر مصدق گرفتند^۴ و در مواردی چون خروج شاه از کشور (توطئه ۹ اسفند ماه ۱۳۳۱) و رفراندوم برای انحلال مجلس دوره هفدهم از دولت دکتر مصدق پشتیبانی کردند.

در فاصله کودتای نافرجام ۲۵ مرداد تا کودتای ۲۸ مرداد حزب توده با وجود داشتن تشکیلات وسیع و سازمان نظامی^۵، نیروهایش را از خیابان‌ها فراخواند و در برابر کودتا هیچ واکنشی به جز پایین

۱. ن. ک: بیل، همان، ج ۱، صص ۱۴۲ و ۱۴۳؛ عملیات آژاکس، بررسی اسناد CIA درباره کودتای ۲۸ مرداد، ص ۱۵۳.

۲. دولت شوروی به خاطر خرید گندم از ایران در زمان جنگ جهانی دوم یازده تن طلا به ایران بدهکار بود.

۳. بهروز، همان، ص ۱۵۳؛ منتصری، در آن سوی فراموشی، ص ۵۰؛ کشاورز، من متهم می‌کنم، ص ۷۷.

۴. امیر خسروی، نظر از درون به نقش حزب توده/ایران، صص ۳۳۹-۳۴۱.

۵. خسرو پناه، سازمان نظامی یا سازمان افسران حزب توده/ایران.

کشیدن مجسمه‌های شاه و شعار الغای سلطنت و استقرار جمهوری دموکراتیک که به بهره‌برداری کودتاچیان در جنگ روانی منجر شد، انجام نداد.^۱

سازمان نظامی حزب توده از طریق شبکه اطلاعاتی خود در ارتش از توطئه کودتا آگاه بود و به دلیل در اختیار داشتن پست‌های نظامی مهم می‌توانست مانع موفقیت کودتا شود. یکی از علل بی‌واکنشی شوروی و حزب توده در قبال کودتا بلا تکلیفی ناشی از مرگ استالین بود.^۲

پس از پیروزی کودتا، حزب توده همچون کوه یخ آب شد و رهبران آن از کشور گریختند و یا برای نجات جان خود با سران کودتا همکاری کردند. برخی از اعضای حزب توده نیز بعدها به خدمت ساواک درآمدند.^۳

بیشتر بدانید

شبکه «بدامن»^۴ پس از جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۴۸ م با هدف مقابله با توسعه روزافزون نفوذ شوروی و حزب توده در ایران توسط انگلیسی‌ها شکل گرفت. این شبکه اقدام به یک سلسله عملیات با رمز «بدامن» کرد. عملیات‌های سیاسی و تبلیغاتی این شبکه توسط دو ایرانی با نام‌های رمزی «زن» و «سبلی» اداره می‌شد. این شبکه ۱۰۰ نفر عضو داشت و بودجه آن یک میلیون دلار بود.^۵

۲. شبکه بدامن: این شبکه از طریق نفوذ در احزاب و جریان‌های سیاسی^۶، ضمن ایجاد بلوا و آشوب در کشور و اختلاف افکنی میان اعضای نهضت ملی ایران، موجبات بدبینی نسبت به رهبران نهضت را فراهم آورد. فعالیت‌های پیچیده، سری و غیرشفاف این شبکه از حوزه نظارت دولت خارج بود، به طوری که هر گروه و حزبی در ابتدا تصور می‌کرد این فعالیت‌ها به نفع سیاست‌های آنان است.^۷

۱. ذبیح، تاریخ جنبش کمونیستی در ایران، صص ۳۱۴-۳۱۶؛ امیرخسروی، همان، ص ۶۱۵.

۲. ن. ک: خسرو پناه، همان، صص ۱۵۹-۱۷۲؛ بهروز، همان، صص ۱۷۷-۲۲۵.

۳. مقاومت در برابر کودتاچیان تنها در اعضای رده پایین حزب توده صورت گرفت. از میان کادر رهبری افرادی چون بهرامی، یزدی، شرمینی و قریشی با رژیم همکاری داشتند و برخی تا آنجا پیش رفتند که اسرار تشکیلاتی و شبکه حزبی را در اختیار حکومت کودتا گذاشتند. ن. ک: بهروز، همان، ص ۴۷.

4. Bedamen

۵. گازیوروسکی و برن، مصدق و کودتا، ص ۲۵۶.

۶. از جمله حزب توده، جبهه ملی، حزب زحمتکشان، نیروی سوم، حزب ایران و ...

۷. فردوست، همان، ج ۲، صص ۱۷۹-۱۸۱؛ امیرخسروی، همان، صص ۵۹۹-۶۰۹؛ اسناد سازمان سیا، سایت اینترنت مجله

نیویورک تایمز، ص ۸۰.

بیشتر بدانید

یکی از اقدامات شبکهٔ بدامین که در پوشش حزب توده انجام شد، آشوب خیابانی ۲۳ تیر ۱۳۳۰، هم‌زمان با ورود اورل هرین^۱ نمایندهٔ مخصوص رئیس‌جمهور آمریکا به ایران بود و بر نگرانی آمریکایی‌ها از نفوذ و قدرت حزب توده و کمونیست‌ها در ایران افزود. اعضای شبکه بدامین در آستانهٔ کودتای ۲۸ مرداد، به‌نام طرفداری از دکتر مصدق به منزل آیت‌الله کاشانی نارنجک انداختند و به عزاداران امام حسین علیه السلام حمله کردند. شبکهٔ بدامین چندین روزنامه در اختیار داشت که همهٔ آنها در عملیات جنگ روانی مربوط به کودتا نقش مؤثری داشتند.^۲

۳. شاه و درباریان: محمدرضا شاه ابتدا در برابر نهضت ملی شدن نفت منفعل و مردد بود. او به شدت از پیامدهای نهضت که موجب تضعیف موقعیت و قدرت او می‌شد، وحشت داشت. با این همه او قدرت و شجاعت ایستادگی در برابر نهضت و ملت را نیز نداشت، از طرفی هم جرئت نمی‌کرد با آن همراهی کند؛ زیرا از انگلیسی‌ها می‌ترسید و هنوز خاطرهٔ برکناری و اخراج پدرش توسط آنان را، از یاد نبرده بود.

با این حال شاه هرگاه فرصت را مناسب می‌دید، آشکار و پنهان علیه نهضت ملی شدن نفت و دولت دکتر مصدق کارشکنی و دسیسه‌چینی می‌کرد. وقتی اختلافات رهبران و اعضای نهضت بالا گرفت، بر تحرکات و توطئه‌های شاه افزوده شد و سرانجام با تشویق و حمایت دولت‌های آمریکا و انگلستان به اجرای کودتای ۲۸ مرداد تن داد.

وابستگان شاه و درباریان، با صراحت و جدیت بیشتری با نهضت ملی شدن نفت و دولت برآمده از آن، مخالفت و دشمنی کردند^۳ و در طول دوران نهضت دائم مشغول توطئه‌چینی و دسیسه‌کاری برضد آن بودند. اشرف پهلوی،^۴ خواهر شاه، مادر شاه و افراد دربار از جمله اسدالله علم و شاپور ریپورتر برضد حقوق و منافع ملت ایران و به نفع دولت انگلستان، در مقابل نهضت ملی شدن نفت ایستادند.^۵

1. Averell Herriman

۲. گازیوروسکی، کودتای ۲۸ مرداد، صص ۲۷ و ۲۸.

۳. گازیوروسکی و برن، همان، صص ۵۴ و ۵۵.

۴. اشرف خواهر دو قلوئی شاه، دکتر مصدق را عوام‌فريب و متعصب می‌خواند. او همچنین اعتراف کرده است که نسبت به مصدق

کینهٔ شخصی شدیدی دارد.

۵. گازیوروسکی و برن، همان، صص ۵۵-۵۷.

آنان حاضر بودند برای شکست نهضت به هرگونه همکاری با دولت انگلستان تن دهند.^۱ به همین سبب پس از قیام ۳۰ تیر، مصدق، اشرف پهلوی و مادرش را از ایران اخراج کرد.^۲

بیشتر بدانید

تا زمانی که اتحاد و همبستگی میان رهبران نهضت وجود داشت شاه جرأت رویارویی با دولت دکتر مصدق را نداشت.^۳ اما زمانی که کانون‌های توطئه‌گر خارجی و عوامل داخلی آنها با استفاده از اختلافات موجود میان رهبران نهضت اقدام به تضعیف نهضت ملی کردند نقش شاه و دربار در تقابل با حکومت دکتر مصدق پررنگ تر شد.

برخورداری از حمایت شاه جهت موفقیت طرح براندازی و کودتا علیه دکتر مصدق برای کودتاچیان بسیار مؤثر بود. اشرف در این ماجرا به عنوان بخشی از عملیات مشترک سیا و سرویس مخفی انگلستان (ام.آی.سیکس)^۴ نقش خود را ایفا کرد. او که در خارج از کشور در تبعید به سر می‌برد،^۵ پس از ملاقات‌های محرمانه با مأموران جاسوسی آمریکا و انگلستان با نام مستعار در سوم مرداد ۱۳۳۲ وارد تهران شد تا پیام‌ها و نقشه‌های کودتا را به اطلاع شاه برساند.^۶

۴. **مطبوعات:** کودتاگران با استفاده از مطبوعات به سازماندهی افکار عمومی پرداختند.

آنها از این طریق توانستند با ایجاد شایعات و تبلیغات ویرانگر به تخریب شخصیت دکتر مصدق و ایجاد نارضایتی عمومی از دولت او و تشدید اختلاف‌ها دامن بزنند.^۷

۵. **اشتباه مصدق در انحلال مجلس:** دکتر مصدق به بهانه نفوذ و تحریکات بیگانگان در

۱. علم، *ملکی شدن نفت ایران و پیامدهای آن*، صص ۳۶۵ و ۳۶۶.

۲. گازیوروسکی و برن، همان، ص ۵۵.

۳. زرگر، «کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و علل وقوع آن»، *تحولات سیاسی اجتماعی ایران*، صص ۱۳۵ و ۱۳۶.

۴. M.I.6: سازمان اطلاعات انگلستان (اینتلجنس سرویس) می‌باشد. (نظیر سازمان سیا در آمریکا) ایجاد شبکه‌های مأمور در

کشورهای مورد نظر، کسب هرگونه اطلاعات اقتصادی، سیاسی و نظامی، تلاش برای تغییر دولت‌ها از جمله وظایف این سازمان است.

۵. اشرف در این زمان در یک کازینو (قمارخانه) در «دوریل فرانسه» مشغول قمار بود. طبق اسناد منتشر شده سازمان سیا درباره

کودتای ۲۸ مرداد، سرهنگ استیفن جانسون مید (Colonel Stephen Johnson Mead) به نمایندگی از سوی سازمان سیا با اشرف در پاریس

گفتگو کرد و او را برای بازگشت به ایران و ملاقات با شاه ترغیب کرد. ن.ک: *اسناد سازمان سیا*، صص ۹۸-۱۰۰.

۶. بیل، *شیر و عقاب*، ج ۱، ص ۱۵۰.

۷. *عملیات آژاکس*، صص ۲۶، ۲۷ و ۳۱. تندروی احزاب سیاسی موافق و مخالف دولت دکتر مصدق و ادبیات گزنده و مخرب

روزنامه‌های وابسته و غیر وابسته افراطی به آنها، آثار سویی در افکار عمومی مردم داشت و موجب تشنج و تشتت سیاسی در روزهای حساس

قبل از کودتا بود.

مجلس،^۱ تصمیم گرفت مجلس دوره هفدهم را منحل کند.^۲ تلاش آیت‌الله کاشانی برای جلوگیری از انحلال مجلس به جایی نرسید.^۳ انحلال مجلس فرصت مناسبی برای کودتاگران فراهم آورد؛ زیرا مشروعیت رئیس دولت را آشکارا مخدوش کرد و باعث هموار شدن عملیات کودتا شد.^۴ کودتاگران مدعی بودند پس از انحلال مجلس شورای ملی، دیگر دولت دکتر مصدق مشروعیت قانونی ندارد.^۵

۶. اعتماد بیش از حد دکتر مصدق به آمریکایی‌ها: در حالی که آنها درصدد تصاحب منابع نفتی ایران و گرفتن ماهی از آب گل‌آلود بودند.

۷. جدا شدن مصدق از روحانیت: دکتر مصدق در ششم مرداد ۱۳۳۱ نامه تندی به آیت‌الله کاشانی نوشت و از ایشان خواست که از هر گونه دخالت در امور سیاسی کشور خودداری کنند.

بیشتر بدانید

کرمیت روزولت ضمن برشماری مزایای حمایت شاه از کودتا می‌گوید، آخرین تضمین برای رفع شبهه و تردید شاه در براندازی مصدق و حمایت از کودتا این بود که آیزنهاور (رئیس‌جمهور آمریکا) این مطلب را با بیان جمله‌ای خاص و رمزی در یک سخنرانی اعلام و چرچیل (نخست‌وزیر انگلیس) نیز ترتیبی بدهد تا در ساعت اعلام برنامه رادیو. بی.بی.سی. در شب بعد، به جای گفتن اکنون نیمه‌شب است، بگوید: «اکنون درست نیمه شب است». شاه در اوایل مرداد این رمزها را از رادیو دریافت کرد.^۶

۱. در حالی که مستمسک اعمال نفوذ بیگانه نباید دلیل انحلال مجلس می‌شد. خصوصاً اینکه مجلس هفدهم به دلیل مشروعیت از مهم‌ترین مجالس پس از شهریور ۱۳۲۰ بود.
۲. عظیمی، بحران دموکراسی در ایران، صص ۴۵۱ و ۴۵۲.
۳. اخوی، نقش روحانیت در صحنه سیاسی ایران، ص ۱۸۲.
۴. اسناد سازمان سیا، صص ۱۰۷ و ۱۰۸.
۵. ن.ک. گازیروسکی و برن، همان، صص ۱۱۴-۱۱۷.
۶. روزولت، کودتا در کودتا، صص ۱۶۸ و ۱۶۹؛ عملیات آژاکس، بررسی اسناد کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، صص ۱۵۹ و ۱۶۰.

پرسش‌های نمونه

۱. چه عواملی موجب شد که مصدق در دور دوم نخست‌وزیری از حمایت مردم محروم بماند؟
۲. انگلستان از چه راه‌هایی همکاری آمریکا برای انجام کودتا در ایران را جلب کرد؟
۳. انگلستان از چه راه‌هایی به تضعیف دولت مصدق پرداخت؟
۴. موضع حزب توده نسبت به دولت مصدق چه بود و عملکرد آن حزب در کودتای ۲۸ مرداد چگونه بود؟
۵. در دوره نخست‌وزیری مصدق، عناصر فعالی دربار چه کسانی بودند و چگونه به تضعیف دولت مصدق پرداختند؟

اندیشه و جست و جو

۱. از کتاب‌های خاطرات که در سال‌های اخیر منتشر شده، مطلبی در مورد قیام ۳۰ تیر تهیه کنید و در کلاس بخوانید.
۲. در مورد یکی از گروه‌های وابسته به بیگانه که در زمینه‌سازی کودتای ۲۸ مرداد نقش داشتند، مطلبی تهیه کنید.
۳. به نظر شما چرا دولت آمریکا به رغم اعتماد دولت ملی ایران به آنها، باز هم با سیاست انگلیس همراهی و همکاری نشان داد؟